گزیده‌ای از گفت‌وگوی تفصیلی KHAMENEI.IR با رئیس جمهور منتخب

برای اصلاح فرهنگ باید از اصلاح مسئولان شروع کنیم

پا تند کرده بودیم و به‌سمت محل مصاحبه می‌رفتیم که یکی از اعضای گروه خبری گفت اینجا چقدر رئیس جمهور و دست‌به‌دست شدن قدرت به خود دیده! گفتم خیلی زیاد هم نبوده و آقای پزشکیان نهمین آنهاست؛ اما در این دست‌به‌دست شدن‌ها، درس‌ها، عبرت‌ها و نشانه‌های زیادی است برای صاحبان اندیشه...

عقربه‌های ساعت حدود ده‌ونیم صبح را نشان می‌داد که روبه روی رئیس جمهور منتخب نشستیم و مصاحبه شروع شد. بی‌آلایشی، شاید اولین صفتی باشد که در برخورد با آقای دکتر پزشکیان به چشم می‌آید. مثل سال‌های گذشته و حتی دوران تبلیغات انتخاباتی، اینجا هم لابه‌لای گفت‌وگو، از فرازهای متناسب قرآن و نهج‌البلاغه استفاده می‌کند. به برخی جزئیات حساس بود، مثلا مصرف برق در همین ساختمان. چیزی که شاید در این سطح ازنظر برخی افراد چندان مهم نباشد و بگویند رئیس جمهور کارها و دغدغه‌های مهم‌تری دارد؛ اما همین جزئیات است که یک کلیت را تشکیل می‌دهد. وقتی از فقر و مشکلات اقتصادی مردم حرف می‌زند، تلخی و ناراحتی را به راحتی می‌توان در چهره و کلامش حس کرد.

آنچه می‌خوانید گزیده گفت‌وگوی رسانه KHAMENEI.IR با آقای دکتر مسعود پزشکیان، رئیس جمهور منتخب است که روز پنجشنبه ۴ مردادماه ۱۴۰۳ و سه روز پیش از تنفیذ حکم ریاست جمهوری و آغاز به کار رسمی ایشان انجام شده است.

آقای دکتر پزشکیان! با توجه به نگاه شما مبنی بر تعامل حداکثری با بخش‌های مختلف کشور برای پیشبرد امور و پیاده‌سازی سیاست‌های کلی نظام و تاکیدی که اخیرا هم رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان داشتند بر همراهی و تعامل مجلس و دولت برای فرآیند تعیین کابینه، جنابعالی چه برنامه‌ای برای اجرایی کردن این همدلی و تعامل سازنده دارید؟

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم. یکی از اصول صراط مستقیم همان وحدت و انسجام مسلمان‌هاست؛ شما به قرآن نگاه کنید: «وَمَن یَعتَصِم بِاللهِ فَقَد هُدِیَ اِلی صِراطٍ مُستَقیم»؛[۱] همان چیزی که هر روز در نماز از خدا می‌خواهیم که به صراط مستقیم هدایت شویم؛ این همان «وَ اعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقوا»[۲] است. شما آیات را که نگاه می‌کنید، همیشه توصیه به این است که مسلمان‌ها وحدت داشته باشند و اختلاف «وَ کُنتُم عَلی شَفا حُفرَةٍ مِنَ النّار»[۳] است؛ یعنی انسان در لبه پرتگاه و آتش است. الان اگر جایی از کشورمان مشکلات و گرفتاری‌هایی دارد، به خاطر اختلافاتی است که به آن دامن می‌زنیم و افزایش می‌دهیم. باید دست از این اختلافات برداریم. ما نماز را اقامه می‌کنیم؛ «اقامه‌ی نماز» یعنی رفتن به طرف صراط مستقیم، یعنی «وَ اعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقوا».

برای اینکه ما بتوانیم در معرفی افراد کابینه به مجلس یک چنین کاری را بکنیم، قدم اول این بود که به تمام جریانات، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اعلام کردیم که افراد موردنظر خودشان را که می‌توانند به دولت کمک بکنند معرفی کنند تا وفاق ملی شکل بگیرد. توسط هرکدام از اینها ـ چه جریانات اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل، و چه افراد و شخصیت‌های سیاسی ـ یک فهرست‌هایی ارائه شد و نهایتا اینها دارد پالایش می‌شود تا به یک جمع‌بندی چهار پنج نفره برای هر جایگاه برسد. در آخر، طبیعتا خدمت مقام معظم رهبری خواهیم رفت و با هماهنگی و مشورت با ایشان به یک جمع‌بندی نهایی خواهیم رسید که اینها را بتوانیم معرفی کنیم.

به هر حال، این جمع‌بندی‌ای که دارد اتفاق می‌افتد حاصل مجموعه نظراتی است که از کل جریان‌ها و مدیران سیاسی کشور توانسته‌ایم به‌دست بیاوریم. حالا اینکه چقدر موفق بشویم، دیگر باید صبر کنیم ببینیم کار به کجا خواهد رسید؛ چون این یک تجربه جدیدی است.

یکی از ویژگی‌های مثبت حضرتعالی که در دوران رقابت‌های انتخاباتی هم این را مردم دیدند، پرهیز از ورود به حواشی و دامن نزدن به التهاب و آرام کردن فضا بود، به‌طوری که دیگران را هم از این مسائل نهی می‌کردید. با توجه به شرایط حال حاضر و اینکه اداره کشور هم نیاز به یک آرامش و پرهیز از التهاب دارد، برنامه و نگاه شما درطول چهارسال پیش رو که سکان اجرائی کشور را در دست دارید، برای حفظ این آرامش چیست و چه ملاحظاتی در این زمینه دارید؟

ما سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری را داریم؛ حتی در این مناظرات و انتخابات هم می‌گفتم این سیاست‌ها چراغ راهنمای مسیر است و هدف ما را مشخص می‌کند. بعد از این، برنامه‌ای است که کارشناسان و عقلا و مدیران و مسئولان ما در جهت آن سیاست‌ها باید بنویسند. طبیعتا اگر ما این را بپذیریم و قانونی بنویسیم که در جهت سیاست‌های نظام باشد و خودمان را مسئول اجرای آن بدانیم و بعد بخواهیم در جهت آن حرکت بکنیم، اختلاف و دعوا بی‌معنی است؛ اما اگر من از خودم یک قانونی یا یک جهت‌گیری دیگری را تعریف کنم که در جهت آن سیاست‌ها نباشد ـ حتی اگر این حرف یا جهت‌گیری‌ای که من می‌خواهم ارائه بدهم خوب هم باشد ـ هرج‌ومرج می‌شود.

تا زمانی که به یک تصمیم و یک هدف‌گیری نهایی نرسیده باشیم، می‌توانیم سلایق خودمان و افکار خودمان و جهت‌گیری‌های خودمان را داشته باشیم؛ اما وقتی تبدیل به سیاست و قانون شد، اختلاف کردن و زیر میز زدن و نپذیرفتن، چیزی جز هرج‌ومرج ایجاد نمی‌کند. من و دولتم و همه قوایی که وجود دارند اگر پایبند به آن سیاست‌ها بودیم و برنامه‌هایی که می‌نویسیم در جهت آن سیاست‌ها باشد، اختلاف یا تفرقه و دعوا کردن بی‌معنی است. اگر هم کسی بگوید یک مسیری بهتر از آن مسیر قانونی هست، آن را هم می‌شود با روش‌های علمی بررسی کرد؛ اگر مشاهدات علمی و مستندات مکتوب دانشگاهی و تجربه مشخص منطقه‌ای در مورد آن پیشنهاد وجود داشته باشد که نشان دهد بهتر و تجربه موفق‌تری است، باید ارائه بشود تا بپذیریم؛ حرف حق را باید پذیرفت.

ما در پزشکی بحثی داریم با عنوان «Evidence-based medicine»؛ یعنی «طبابت بر اساس شواهد». فرض کنید من یک استاد تمام دانشگاه هستم با چهل سال سابقه و موفق هم باشم؛ در این صورت، روش‌هایی را برای معاینه، عمل یا درمان دارم و اجرا می‌کنم. اگر مستندات و تحقیقاتی که امروز شکل گرفته نشان بدهد روش‌هایی بهتر از روش من وجود دارد، آن وقت دیگر من نمی‌توانم بیایم بگویم «نه، من خودم تجربه کرده‌ام، این راه بهتر است.» سند و دلایل و تحقیقات نشان می‌دهد این راهی که الان تازه به وجود آمده بهتر از راهی است که من می‌گویم؛ آن وقت دیگر من حق ندارم بگویم «نه، من خودم مثلا استادم، جراحم، تجربه دارم، چهل سال است که دارم این کار را می‌کنم و نتیجه گرفته‌ام»؛ دلایل و مستندات جهانی نشان می‌دهد این یکی روش تاثیرگذارتر است، کم‌هزینه‌تر است، باکیفیت‌تر است؛ خب باید بپذیرم.

تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری در مسائل کشور، فقط مبنا و ابزار علمی دارد. دلیلی ندارد وقتی حرف حقی آمد، ما نپذیریم. در قرآن آیه‌ای هست که می‌گوید: «بَل کَذَّبوا بِما لَم یُحیطوا بِعِلمِهِ وَ لَمّا یَأتِهِم تَأویلُهُ کَذلِکَ کَذَّبَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم فَانظُر کَیفَ کانَ عاقِبَةُ الظّالِمین»؛[۴] آیات خدا را تکذیب کردند، چون علمش را نداشتند، چون تاویل و تفسیرش را نمی‌دانستند. در گذشته هم آنهایی که آیات خدا را تکذیب کردند، همین‌گونه تکذیب کردند. و بعد، جالب است که در این آیه می‌گوید نگاه کن عاقبت ظالمان را که چگونه است؛ درحقیقت، یعنی ببین عاقبت نپذیرفتن راه درست و حرف حق را. اینکه یک روش و یک مسیر حق را که مستندات نشان می‌دهد این راه درست است، من نپذیرم، ظلم است؛ ظلم به جامعه‌ای است که مسئولیتش را به عهده گرفته‌ام. «اَلَم یُؤخَذ عَلَیهِم میثاقُ الکِتابِ اَن لا یَقولوا عَلَی اللهِ اِلَّا الحَق»؛ از همه انسان‌ها پیمان گرفته‌اند که جز حق، کار دیگری نکنند، «وَ الدّارُ الآخِرَةُ خَیرٌ لِلَّذینَ یَتَّقون.»[۵]

آقای دکتر پزشکیان! اشاره‌ای کردید به از بین بردن فقر. می‌خواهم سوالی درباره مسائل اقتصادی بپرسم. شما در دوران رقابت‌های انتخاباتی تاکید زیادی داشتید که حل مسائل و معضلات مردم و کشور اولویت اصلی دولت شما خواهد بود، رهبر انقلاب هم بر این رویکرد مهر تایید زدند و با آن اعلام همراهی کردند. البته این مساله قبل از انتخابات هم مورد تاکید رهبر انقلاب بود و بعد از انتخابات و پیروزی حضرتعالی هم مورد تاکید ایشان قرار گرفت. ایشان بعضی شاخص‌ها و معیارها را عنوان کردند و در دیدار نمایندگان مجلس هم در نکته هشتمی که معظم‌له درباره معیارهای افراد کابینه فرمودند، از این عبارت استفاده کردند که چه کسی می‌خواهد میدان‌دار شود و میدان‌های اقتصادی، فرهنگی و مانند آن را به دست بگیرد. برای نیل به این هدف و تشکیل یک دولت کارآمد برای حل مشکلات و مسائل مردم، شما چطور می‌خواهید این معیارها و این نگاه را در کابینه و دولت خودتان پیاده‌سازی بفرمایید؟

مشکل ما الان در کشور این است که براساس ارتباطات دوستی و رفاقت یا شاخص‌های ذهنی خودمان افراد را انتخاب می‌کنیم، ولی ازنظر علمی شاخص‌هایی وجود دارد که شاید در ذهن ما نگنجد. ما گفتیم اساتید مدیریت دانشگاهی یک سری شاخص‌هایی را برای اینکه بتوانیم این آدم‌ها را انتخاب کنیم دربیاورند؛ یک سری شاخص را درآوردند که حتی ما این شاخص‌ها را اعلام کردیم. بعد، به همه هم گفتیم هرکس نسبت به این شاخص‌ها مشکل دارد، اعلام کند تا اگر کم است، زیاد کند و اگر شاخصی اشکال دارد، حذف شود. بالاخره، یک شاخص‌هایی را درآورده‌ایم.

البته ما باید دقیق‌تر شاخص‌ها را دربیاوریم که هرکسی نمره داد، تکرارپذیر باشد، یعنی این جور نباشد که من یک نمره صد بدهم، یکی بیاید نمره صفر بدهد. وقتی یکی صد می‌دهد، یکی صفر می‌دهد، یکی پنجاه می‌دهد، معلوم است هنوز آن اندازه‌گیری‌ها درست نیست که اگر درست باشد، همه باید یک جور نمره بدهند. مثلا سال‌های خدمت، مثلا اثرگذاری در کاری که انجام داده، مثلا پاکدستی و نداشتن سابقه سوء؛ اینجا دیگر نمی‌شود کسی را که سابقه نداشته، یکی بگوید دارد، یکی بگوید ندارد؛ باید دلیل بیاورد که هست یا نه. درنتیجه، قدم اول این بود که شاخص دربیاوریم.

بحث دوم این بود که به تمام کنشگران جامعه این شاخص‌ها را اعلام بکنیم و بگوییم شما افرادی را که می‌شناسید، طبق این شاخص به ما معرفی کنید. قدم سوم این بود که این افرادِ معرفی شده را براساس شاخص‌ها پالایش کنیم و برایشان نمره بگذاریم. و بعد هم وقتی پالایش شد، نهایتا مشورت و هماهنگی لازم را ما خدمت مقام معظم رهبری انجام بدهیم تا بتوانیم به آن نهایت چیزی که دنبالش هستیم برسیم. اینکه به آن معیارها خواهیم رسید یا نه، هنوز کاملا مطمئن نیستم؛ ولی ما تلاش‌مان را کردیم تا بتوانیم همه نظرات و جریان‌ها را براساس این شاخص‌ها بسنجیم و افراد موردنظر را انتخاب کنیم تا بتوانیم کار را انجام بدهیم.

شاخص‌ها و اولویت‌های عمومی‌تان برای انتخاب افراد پیشنهادی کابینه چه مواردی بوده است؟

پایبندی به قانون، صداقت، پاک‌دستی، راست‌گویی، حسن شهرت، باور به سیاست‌های کلی، باور به قانون برنامه و اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی. بالاخره فرد اگر پاک‌دست و صادق نباشد ـ که البته این موارد باز هم نسبی است ـ نمی‌توان او را انتخاب کرد. امیرالمومنین (علیه‌السلام) به مالک می‌فرمایند: «وَلیَکُن اَحَبَّ الاُمورِ اِلَیکَ اَوسَطُها فِی الحَقِّ وَ اَعَمُّها فِی العَدلِ وَ اَجمَعُها لِرِضَی الرَّعِیَّة»[۶] می‌گویند ای مالک! وسط حق را در نظر بگیر، چون اگر خیلی بخواهی در آن دقیق و ریزبین بشوی، مصداقش را پیدا نخواهی کرد؛ اگر بخواهی عدل را مثل علی اجرا کنی، نمی‌توانی. لذا توصیه می‌کنند که شما بروید دنبال «اَعَمُّها فِی العَدلِ وَ اَجمَعُها لِرِضَی الرَّعِیَّة»؛ یعنی کاری که رضایت اکثریت در آن باشد. اگر بخواهید حساسیت به خرج بدهید، آدم معصوم پیدا نمی‌کنید.

امروز مساله اقتصاد و معیشت در صدر مسائل اصلی کشور و مردم است. شما و تیم اقتصادی شما برای اینکه فشار معیشتی را از روی مردم تا حدی کم کنید و وضعیت سفره خانوار ایرانی را بهبود دهید، چه اولویت‌ها و برنامه‌های اصلی و فوری و میان‌مدتی را در نظر دارید؟

ببینید! من نسخه فوری برای چنین چیزی ندارم. حالا باید بنشینیم با کارشناس‌ها صحبت کنیم. آنچه فوری و ضروری است، اول رفع اختلافات، دست به دست هم دادن و با هم پیش رفتن است. در هر حرکتی که داریم، اگر آدم‌های قدرتمندی مقابل هم قرار بگیرند، یعنی هیچ حرکتی نمی‌کنیم. اگر شما بخواهید حرکت کنید و من جلوی شما را بگیرم، من بخواهم حرکت کنم و شما جلوی من را بگیرید، هر چقدر این اختلافات بیشتر باشد، نابسامانی و هرج‌ومرج خیلی بیشتر خواهد بود. در نتیجه، برای اینکه بتوانیم راه‌حل‌های علمی حل مشکلات اجرایی را پیدا کنیم، اول باید در درون خودمان وحدت و انسجام ایجاد کنیم؛ باید زبان و نگاه مشترکی برای حل معضلات، بین کارشناسان، متخصصان، سیاست‌گذاران، قانون‌نویسان، فرهنگیان و عالمان کشور داشته باشیم. کافی است با هم هماهنگ نباشید؛ در این صورت، هر روشی را بخواهید اجرا کنید دیگران ممکن است برایتان مشکل ایجاد کنند.

ما در کشور ناترازی انرژی داریم و در حال حاضر برای خرید بنزین، ۸ میلیارد دلار پول می‌دهیم؛ یعنی بنزین را مثلا حدودا ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم! خب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟ مثال دیگر مصرف برق است. ما به اندازه کل اروپا مصرف انرژی، برق و امثال آن را داریم؛ این از نظر علمی کار درستی نیست.

درست است که طی سالیان اخیر، اقتصاد مساله اول کشور بوده و ذهن مدیران، سیاست‌گذاران و مردم کشور را به خود مشغول کرده است؛ اما در کنار مسائل مهم اقتصادی، مساله فرهنگ هم اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و رهبر انقلاب در سال‌های اخیر، در کنار اقتصاد، بر مساله فرهنگ نیز تاکید داشته‌اند. برای آخرین سوال می‌خواهیم بدانیم با تمام مسائل و فوریت‌های کشور از قبیل اقتصاد، اولویت‌ها و جهت‌گیری دولت خودتان در حوزه فرهنگ را چگونه تعریف می‌کنید؟

ببینید! اصلا مشکل فرهنگ، ما هستیم؛ ما‌ها که داریم فرهنگ را تبلیغ می‌کنیم. «مَن نَصَبَ نَفسَهُ لِلنّاسِ اِماماً فَلیَبدَأ بِتَعلیمِ نَفسِهِ قَبلَ تَعلیمِ غَیرِهِ وَلیَکُن تَأدیبُهُ بِسیرَتِهِ قَبلَ تَأدیبِهِ بِلِسانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفسِهِ وَ مُؤَدِّبُها اَحَقُّ بِالاِجلالِ مِن مُعَلِّمِ النّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِم.»[۷] من به عنوان مدیر، کارشناس یا مسئول دینی، وقتی می‌خواهم رفتار، اخلاق و صفتی از انسانیت را به کسی بیاموزم، اول باید انسانیت و اخلاق در وجود خودم نهادینه شده باشد. یک آدم بداخلاق نمی‌تواند به یک فرد دیگر بگوید تو چرا این طور هستی؛ آدمی که رحم در دلش نیست، نمی‌تواند به دیگری بگوید رحم داشته باش. ما نماز که می‌خوانیم، می‌گوییم «بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم، اَلحَمدُ لِلهِ رَبِّ العالَمینَ، اَلرَّحمنِ الرَّحیم»؛[۸] این عبارات را هر روز در نماز تکرار می‌کنیم، ولی رحم و مروت در وجود ما نهادینه نیست، برخورد ما با طرف مقابل بر اساس نگاه صحیح نیست. در نتیجه، اگر قرار است فرهنگ درست شود، باید از خودمان شروع کنیم. خداوند در قرآن به رسول‌الله (صلّی‌الله علیه و آله و سلّم) می‌فرماید: «فَبِما رَحمَةٍ مِنَ اللهِ لِنتَ لَهُم وَ لَو کُنتَ فَظًّا غَلیظَ القَلبِ لَانفَضّوا مِن حَولِک»[۹] این حرف امثال من نیست، کلام خداوند است و شک و شبهه‌ای در آن نیست. وحی است. خداوند به رسولش می‌فرماید اگر بداخلاق بودی، کسی اطراف تو جمع نمی‌شد. دیگر حرف ما که جایگاهش مشخص است؛ آن وقت دستور می‌دهیم و با بداخلاقی آن را ارائه می‌دهیم! خب مردم این را از ما نمی‌پذیرند. اولا معلوم نیست حرفی که من می‌زنم درست است یا غلط؛ ثانیا وقتی قرآن می‌فرماید «اُدعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالحِکمَةِ وَ المَوعِظَةِ الحَسَنَةِ وَ جادِلهُم بِالَّتی هِیَ اَحسَن»[۱۰] پس چرا روش ما به گونه‌ای است که طرف مقابل از رفتارمان متنفر می‌شود؟ «وَ لا تَستَوِی الحَسَنَةُ وَ لَا السَّیِّئَةُ ادفَع بِالَّتی هِیَ اَحسَنُ فَاِذَا الَّذی بَینَکَ وَ بَینَهُ عَداوَةٌ کَاَنَّهُ وَلِیٌّ حَمیم»؛[۱۱] خوبی و بدی مثل هم نیست؛ پاسخ بدی را با بدی نمی‌دهند؛ می‌گوید بدی‌ها را با خوبی جواب بدهید؛ با آدمی که با شما دشمن است، «وَلِیٌّ حَمیم» باشید، انگار که او دوست نزدیک و صمیمی شما است.

پس در مساله فرهنگ، اول باید خودمان را درست کنیم. لازم نیست به دیگران خرده بگیریم. اول به خودمان خرده بگیریم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوز آنها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند؛ ولی رفتار و برخورد ما به گونه‌ای است که وقتی مردم آن را نگاه می‌کنند، بدشان می‌آید. آن وقت چرا باید مثل ما بشوند؟ چرا خودشان را شبیه ما بکنند؟ در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم تا اینکه به دیگران خرده بگیریم. «دَواؤُکَ فیکَ وَ ما تَشعُرُ وَ داؤُکَ مِنکَ وَ ما تُبصِر.»[۱۲] درد خودمانیم، درمان هم خودمانیم.

حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی دولت یازدهم در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اصولگرایان و اصلاح‌طلبان می‌خواهند از فرهنگ برداشت سیاسی کنند

بخش مهمی از منتقدان من غرب‌گرا بودند

ادامه از صفحه ۱۳

فکر می‌کنید که اندازه این اعتماد را بیشتر کرد که حداقل پروانه ساخت را برداریم.

من یک مثال عملیاتی می‌زنم. زمانی که نمایشنامه خوانی داشتیم و در همین کانال یوتیوبم منتشر کردم؛ خیلی جلسه زیبایی بود. سال ۸۹ که اوج درگیری بین اهالی فرهنگ و هنر بود. در آن جلسات بزرگان هنری می‌آمدند و از کشورهای دیگری همچون تاجیکستان و افغانستان جاهای مختلف بودند. اما هیچ‌وقت از اینها نپرسیدم چه می‌خواهید بخوانید با اینکه خیلی حساسیت بالایی در آن سال‌ها وجود داشت. اگر کسی می‌آمد نمایشنامه‌ای می‌خواند که در آن مطالب سیاسی تندی بود حتما آنجا تعطیل می‌شد. ما عزل می‌شدیم اما به‌طور طبیعی همه این بچه‌ها خودشان رعایت می‌کردند، چیزهایی خواندند که برای آن جمع مشکل درست نکنند. بالاترین ممیزی را خودشان انجام می‌دادند. می‌خواهم بگویم اهالی فرهنگ این را می‌فهمند. چرا فکر می‌کنید متوجه نمی‌شوند؟ اگر الان یک مدیر ارشد باشد که با او خوب باشند، به او احترام بگذارند، احترام ببینند، دوستش داشته باشند، خیلی چیزهایی هم که خودشان قبول ندارند به خاطر او هم شده رعایت می‌کنند. این می‌شود اعتماد.

با این اوصاف شما هم موافق حذف پروانه ساخت هستید؟

بله، موافقم. اگر یادتان باشد آن موقع تهیه‌کننده‌ها را جمع کردم، آقایان تهیه‌کنندگان مخالفت کردند.

تهیه‌کننده‌ها همیشه مخالف حذف پروانه ساخت هستند.

بله، مخالفند. ببینید حذف پروانه ساخت، تصمیم مهمی است. با احساسات نمی‌شود در موردش تصمیم گرفت. ولی برایم سوال بود که پروانه ساخت چه کمکی می‌کند؟ پروانه ساخت بیشتر به نفع تهیه‌کننده است تا به نفع دولت. چرا؟ چون تهیه‌کننده یک پروانه دارد که شما متعهد شده‌اید فیلمش را به نمایش بگذارید. یک تعهد برای دولت ایجاد می‌کند.

اصلا من از نگاه دولتی می‌خواهم ببینم. وقتی با نظارت خیلی سرسخت و سفت به شما پروانه ساخت می‌دهند، یعنی فیلم شما را قبول دارند. شما بروید بسازید نگران هیچ چیزی نباشید. بعد ساخت، گفته می‌شود نه، مشکل دارد، این صحنه را برداریم و این آن نیست، چرا اینجا را اینجوری کردید. او می‌گوید به من پروانه ساخت دادید، من هزینه کردم، چرا از اول نگفتید، چرا این کار را کردید، چرا آن کار را کردید... بنابراین پروانه ساخت در حقیقت یک تضمین برای تهیه‌کننده است. چیزی گیر دولت نمی‌آید. اصلا با نظارت سخت، هیچ چیز گیر دولت نمی‌آید. فرض کنید که پروانه ساخت نباشد، همه فیلم می‌سازند، دولت هم هیچ تعهدی ندارد.

چند مدیوم داریم؛ پرده سینما، نمایش خانگی، هنر و تجربه. شما فیلم‌هایتان را بیاورید. اگر پسندیدم نمایش می‌دهم. نپسندیدم نمایش نمی‌دهم. می‌گوید فیلم ساختم، جوابش می‌شود کی گفته بسازید؟ چرا طبق نرم من نساختید؟ می‌خواهم بگویم نظارتی هم نگاه کنید فکر نمی‌کنم خیلی چیزی گیر ما بیاید.

یک سوال حاشیه‌ای بپرسیم.

اینها حاشیه‌ای نبود؟ (با خنده).

نه حاشیه بر چیزی است که شما الان گفتید. گفته می‌شود که شورای پروانه ساخت با صدور مجوز «ارادتمند؛ نازنین بهاره تینا» مخالف بود ولی دستور مستقیم شما بود که این فیلم پروانه ساخت بگیرد.

نه دستور مستقیم من نبود.

ولی شما موافق بودید، یک جایی هم در مورد آن مصاحبه کردید.

چون گفتید حاشیه این را می‌گویم. من مدیرانی داشتم که می‌رفتند جاهای مختلف صحبت می‌کردند، برای تبرئه خودشان همه چیز را گردن من می‌انداختند. می‌دانستم ولی به رویشان نمی‌آوردم. آنها را می‌فهمیدم. می‌دانستم که جوان هستند و جویای نام.

نمایش هیچ‌وقت داده نشد.

درمورد این فیلم هم، آقای کاهانی پیش بنده آمد و به من اطمینان داد که می‌خواهم فیلمی بسازم که شما به آن افتخار کنید و بگویید کاهانی فیلمی ساخت در چهارچوب همه مسائل کشور و نظام و بدون هیچ حاشیه و مشکل. در عین حال من دستوری ندادم بعد از این ماجرا، من به پروانه ساخت گفتم با نظر مساعدتر بنشینید با او صحبت کنید، فیلمنامه را بخوانید و هیچ جا من خارج از چهارچوب پروانه ساخت یادم نمی‌آید که دستوری داده باشم.

البته این یک استثنا در دوران شما بود و برای همین پرسیدم.

اصلا وجود ندارد.

وزارت ارشاد دولت سیزدهم از زمانی که شکل گرفت، یک موضوع در موردش مطرح می‌شد که وزارت ارشاد در سایه دارد. این تعابیر در دولت‌های قبلی کمتر بود اما همان زمانی که شما در سازمان سینمایی بودید، از سازمان سینمایی در سایه گفتید که تایید یا رد نشد اما شما متهم به فرافکنی شدید. کمی در مورد قدرت این سازمان سینمایی در سایه بگویید.

آن زمانی که گفتم سازمان سینمایی در سایه، برای خیلی‌ها سوال بود. فکر می‌کردند اگر حرفی زدیم، چیزی گفتیم، از خودمان بود و واقعیت نداشت. اما در این دوره و در همین مناظره‌ها معلوم شد که دولتی در سایه داشتیم. مگر نداشتیم؟ رئیس آن هم کاندیدا بودند و دوست عزیز بنده هستند و صریحا هم گفتند که دولت در سایه داشتند و الان می‌گویند که دولت در سایه داریم.

دولت در سایه دیگر یک واقعیت است که همه فهمیدند که هست. این دولت سازمان سینمایی هم داشت، وزارت ارشاد هم دارد. همه چیز هم دارد. آن سازمان سینمایی و تشکیلات دولت سایه در زمان ما خیلی فعال بود و خیلی حساب‌ها را می‌رسید. در این دولت هم بود اما برای این دولت، سایه و آفتاب با هم خیلی نزدیک بودند (با خنده) یکی شده بودند، آن موقع سایه و آفتاب با هم یکی نبودند. جایی اگر نقصی در می‌آمد. یقه ما را می‌گرفت که کارهای ما را می‌خواباند. الان هم هستند و ظاهرا قرار است کار کنند.

نگاهی وجود دارد که نهادهای موازی وزارت ارشاد تاثیر مستقیمی بر کم اعتبار شدن این وزارتخانه داشتند. حدود اختیارات وزارت ارشاد محدود شده است، نمونه‌اش اینکه مثلا شبکه نمایش خانگی از وزارت ارشاد خارج می‌شود و به صداوسیما سپرده می‌شود. آرام‌آرام وظایف ارشاد در حال کم شدن بود و عملا کارکردی برای آن باقی نمانده است که ما هم منتظر وزیر ارشاد یا معاونانش باشیم که بیایند و کارهای موثری در این وزارتخانه بکنند.

داغ دل ما را زنده کردید نمایش خانگی، افتخار بنده بود که راه انداختیم. آن موقع خیلی‌ها با VOD آشنا نبودند. خیلی‌ها اصلا نمی‌دانستند VOD یعنی چه؟ ما این را راه انداختیم، حتی موسسه هنرهای تصویری را تبدیل به پایگاه VOD کردیم. می‌خواستیم اسمش را عوض کنیم شبکه نمایش خانگی بگذاریم. اولین مجوزهایی که برای پلتفرم‌ها صادر شده با امضای بنده بود و همان موقع بحثی درگرفت که این باید زیر نظر سازمان صداوسیما باشد و استنادی می‌کردند به حکمی که داده شده بود. من مقاومت کردم و ایستادم، کار به بازرسی کل کشور کشید و ما پیروز شدیم و در اختیار ما بود. بعد که ما که برکنار شدیم از ما گرفتند و دیگر باید چه کار می‌کردیم که در اختیار ما باقی بماند؟

شما موافقید که با محدود شدن اختیارات وزارت ارشاد، جایگاه و کارکرد اصلی این وزارتخانه کم شده است؟

بله. من درمورد تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی هنوز معتقدم که باید در اختیار وزارت ارشاد باشد. به هرحال ما نمی‌توانیم یک سامانه نمایش خانگی را در اختیار رقیبش قرار بدهیم؛ تلویزیون رقیب است؛ تلویزیون رقیب نمایش خانگی است. تلوبیون دارد، طبیعی است که این رقیب خودش را ترجیح می‌دهد به نمایشگاه خانگی و معلوم است که نادرست است.

سه اقدام مهم شما که برآمده از جنس ایده و نظری است که در حوزه فرهنگ دارید. یکی بحث گروه هنر و تجربه بود که در زمان شما اتفاق افتاد، دیگری راه‌اندازی مدرسه ملی سینمای ایران بود. سومی هم در حوزه جشنواره‌های خارجی و تفکیک جشنواره بین‌الملل از بخش ملی. این سه اقدام را وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که عملا بعد از رفتن شما روی زمین ماند، بلاتکلیف یا ضعیف شد. گرفتاری مدیران فرهنگی ما همین است، یعنی تصمیمات و ایده‌هایشان بعد از رفتن‌شان ادامه پیدا نمی‌کند. آن موقع به این فکر کردید که پایه‌های چنین تصمیماتی را محکم کنید که مثلا گروه هنر و تجربه واحدی مستقل از بودجه دولتی شود.

این سه اقدامی که گفتید، به آنها خیلی افتخار می‌کنم. هنر و تجربه را خیلی دوست دارم نه اینکه دوست احساسی، معتقدم خیلی کمک بزرگی به ایران کرد. فکر می‌کنم بیش از ۶۰۰ یا ۷۰۰ فیلم در هنر و تجربه به نمایش درآمد. فیلم‌هایی که هیچ شانس و امیدی برای اکران نداشتند، یعنی ما فرش قرمزی که این بچه‌ها منتظر بودند در خارج زیر پایشان پهن شود، در ایران زیر پایشان پهن کردیم. خیلی کار خوبی بود. آن آدم‌هایی که به گروه هنر و تجربه آمدند بزرگ‌ترین‌های سینما بودند؛ از کیانوش عیاری گرفته تا گلمکانی گرامی، سیف‌الله صمدیان، شهرام مکری، علم‌الهدی عزی تا جمال امید مرد باسواد سینمای ایران و به‌ویژه شادروان تقی‌پور. همه آنهایی که بودند همچنین گروهی را شکل دادند و پای کار آمدند. برای هنر و تجربه کاری که به ذهنم می‌رسید، این بود که موسسه‌ای باشد و آن را غیردولتی کردیم. علم‌الهدی تصورش این بود که مثل فارابی شود بهتر است اما من اجازه ندادم و غیردولتی شد. هیچ دخالتی حتی بعد از برکناری هم در آن نداشتم. جلسات را نمی‌رفتم برای اینکه نام من روی آن نباشد که به خاطر من آسیب ببیند؛ چون فرزندم بود و دوستش داشتم از آن فاصله می‌گرفتم. کاری که الان محمد خزاعی انجام دادند این بود که تصمیم گرفتند هنر و تجربه را خوشبختانه حفظ کردند. از بین نبردند، با این حال گروهی که بودند را عزل کردند، حتی موسسه‌ای که وجود داشت. یک بدهی یک میلیاردی داشت و شرط کردند که ما این بدهی را می‌دهیم به شرطی که شما بیایید ثبت شرکت‌ها و وزارت ارشاد این موسسه خصوصی که غیرفعال است را به ما بدهید؛ آن وقت اگر هنر و تجربه جای دیگری رفت این را به نام ما کنید و این کار را کردیم. موسسه فرهنگی غیردولتی را قانونی کردیم تا مطمئن شوند که ریشه ما از این مجموعه کنده شد و خیال‌شان راحت شود (باخنده).

به نظر می‌رسد گروه هنر و تجربه را برای این راه انداختند که یک مقدار میز ارشاد و سازمان سینمایی خلوت شود چون فیلم می‌آوردند و نمی‌دانستند با این فیلم‌های روی دست مانده چه کار کنند.

درنهایت این تصمیم باعث شد تا خلوت شود و تصمیم درستی بود. در سینمای بدنه از کیارستمی که بالاتر نداشتیم از سینماداران بپرسید، وقتی فیلم‌های کیارستمی می‌آمد سینمادار تب می‌کرد. کیارستمی جایزه در دنیا می‌گرفت ولی در داخل خیلی فروش نداشت. یا «ماهی و گربه» و از این مثال‌ها، خیلی فیلم‌هایشان برای مخاطب عمومی نیست. این حالت باعث شد تا سینمای بدنه نفس بکشد ولی این را هم بگویم که مدل هنر و تجربه ایران هیچ ربطی نه به فرانسه دارد نه به اروپا. یک مدل ایرانی خاص خودمان است. بعضی‌ها این نگاه را دارند که هر کار خوبی که می‌کنید الگوی آن غربی است. این درست نیست و واقعا خودباختگی است.

شاید به خاطر این است که شما یک تجربه زیسته در کشور فرانسه داشتید و طبیعتا تصمیمات شما متاثر از فضای فرهنگی فرانسه تعبیر می‌شد.

نه، هر کار خوبی هم که انجام شود فکر می‌کنند غربی است. ما خودمان از همه بهتریم. چرا کسی نمی‌گوید یک کار ایرانی یا یک کار اسلامی است. چرا فکر می‌کنید که هر کار خوب برای خارج است. مدرسه ملی سینما با نگاه و تفکر استاد شاگردی مکتبخانه درست شد. فکر می‌کردند که چون من فرانسه درس خواندم این براساس فرانسه است چون خودباخته‌اند، غرب‌زده هستند. جمع زیادی از مخالفان من غرب‌زده که چه عرض کنم غرب‌پرست بودند و همچنان هستند.

به خاطر همین بود که ادامه پیدا نکرد؟

نه، ادامه پیدا نکرد چون دلایل دیگری داشت، نمی‌خواهم بگویم.

از پایه با مدرسه ملی سینما مخالف بودند؟

نه چه مخالفتی. شما داغ من را تازه می‌کنید. ۲.۵ میلیارد تومان هزینه مدرسه ملی سینما بود. ۴۰-۳۰ نفر از جوان‌های این مملکت آنجا درس می‌خواندند. ۲.۵ میلیارد تومان. این ۲.۵ میلیارد برای آموزش بچه‌های مملکت که همه شهرستانی بودند زیاد بود؟ امید شمس از آن بچه‌ها بود و اسمش درآمد. بچه‌های درجه یک فیلم‌های عالی ساختند. ۱۰ نفر از لبنان داشتیم که عضو آنجا بودند. افغانستانی‌ها و عراقی‌ها هم بودند. نگاهی فراتر از مرزها داشتیم.

درخصوص تفکیک جشنواره هم صحبت کنید، نتیجه داد؟

جزء کارهای من بود. اینقدر از این کارها کردیم و درست بود اما آمدند و خرابش کردند. یک کسی برای من توضیح بدهد، برای شما توضیح بدهد که این جشنواره جهانی فیلم فجر چه اشکالی دارد؟ جمهوری اسلامی ایران که مدعی فیلم‌های معنوی اخلاقی قابل نمایش و فیلم‌های درست در دنیا شده است بخش جایزه مصطفی امین داشت. خود اهالی سینما اداره‌اش می‌کردند اما تعطیلش کردند.

پیشنهادتان به وزیر آینده فرهنگ و ارشاد چیست؟

فکر کنم اولین اقدام همان گفت‌وگوست. گفت‌وگو برای رسیدن به یک اجماع و وفاق دوباره، بین همه کسانی که دست اندرکار و دغدغه‌مند هستند. این عرصه همیشه عرصه رقابت بوده است. مدیران جدید می‌آیند و می‌گویند؛ قبلی‌ها به ما ویرانه دادند. اما فکر می‌کنم این دوره در همه عرصه‌ها با نگاهی که پزشکیان دارد و خیلی هم ارزشمند است، متفاوت است. اینکه نمی‌گوید ویرانه تحویل گرفتیم و می‌گوید یک کشور تحویل گرفتیم، یک عده در آن تلاش کردند. در وزارت ارشاد الان محمدمهدی اسماعیلی تلاش کرده و قبلش جنتی و قبلش دیگری بوده است.

آخرین کتابی که خواندید و آخرین فیلمی که دیدید؟

آخرین فیلمی که دیدم «مست عشق» بود. آخرین کتابی که خواندم کتاب «جامعه مدرن» که آلن تورن در سال ۲۰۲۳ نوشته است. کتابی هم که الان به نیمه رسیده «انورخوجه» از نشر ثالث است.